

سخن سردبیر

منطقه ژئوپلیتیکی خاورمیانه از واپسین روزهای آغاز قرن بیست و یکم، خبرسازترین کانون تحولات جهان بوده است. پیش از این، نفت و اسرائیل، خاورمیانه را به منطقه ای بین المللی تبدیل کرده بودند. در قرن اخیر، « تروریسم » نیز به معادلات آن افزوده شد. تروریسم در خاورمیانه ، با حادثه ۱۱ سپتامبر آغاز شد و متعاقب آن « نبرد جهانی علیه تروریسم » شکل گرفت. پس از حمله نیروهای ائتلاف بین المللی به افغانستان در سال ۲۰۰۱، آمریکا و انگلیس در سال ۲۰۰۳ تهاجم به عراق را آغاز کردند. بیش از یکصد هزار نظامی غربی طی دهه اخیر در افغانستان، عراق و پایگاه های نظامی آنها در خاورمیانه ، حضور داشته اند و هنوز هم آخرین سربازان غربی از این مناطق خارج نشده اند. در حالیکه اکثر مهاجمان به برج های دوقلوی سازمان تجارت جهانی (۱۵ نفر از ۱۹ مهاجم) تبعه عربستان بودند، اما سعودی ها به جای آنکه « مساله » اصلی تروریسم معرفی شوند، خود را به عنوان بخشی از « راه حل » در جبهه جهانی علیه تروریسم جای دادند. عربستان از اوایل دهه ۱۹۸۰ در پرتو نبرد آمریکا علیه امپراتوری شریک شوروی، هزاران جنگجو را که بعدها به « عرب افغانها » مشهور شدند، به افغانستان و پاکستان گسیل داده بود. اسامه بن لادن سعودی تبار شبکه بین المللی «القاعده» را دو کشور مذکور سامان داد و از اواسط دهه ۱۹۹۰ گروه طالبان را سازماندهی و بر افغانستان حاکم کرد تا با مرام وهابی حکومت کند. با سقوط دولت خودخوانده طالبان و سرنگونی صدام حسین، دور جدید ماموریت سعودی ها آغاز شد و طیف گسترده ای از تروریست ها با حمایت آشکار و پنهان عربستان ، به کشورهای مختلف خاورمیانه عربی بویژه عراق گسیل شدند و دور جدیدی از تروریسم در منطقه نضج گرفت.

با وقوع جنبش بیداری اسلامی، کنشگری عربستان در ساحت تروریسم وارد مرحله جدیدی شد. سعودی ها برای مهار و معکوس سازی موج بیداری، تلاش های گسترده ای در جهان عرب آغاز کردند ، در این راستا به اشغال غیر نظامی بحرین پرداختند. همچنین با الهام از دکترین نظامی اسرائیل، حملات بسیار گسترده ای به زیرساخت های یمن آغاز کردند که حاصل آن نسل کشی در این کشور بوده است. گرچه پیوسته رویه عربستان حفظ دولت های محافظه کار و غیردمکراتیک عرب بوده، اما درباره سوریه و عراق سیاست سرنگونی

را در پیش گرفت که به ایجاد دولت های ضعیف در این کشورها انجامید. هزاران نفر از تروریست های خارجی با حمایت مالی و سیاسی عربستان و متحدانش وارد عراق و سوریه شدند و القاعده بازتولید شد. با ناکامی القاعده و شکاف در این شبکه تروریستی ، دولت اسلامی عراق و شام(داعش) شکل گرفت و یکی از رعب انگیز ترین شبه دولت های تروریستی جهان در بخشی از عراق و سوریه ایجاد شد. سیاست های عربستان موجب شد که داعش در عراق و سوریه به مغناطیسی برای جذب همه گروه های تروریستی و بازپخش آنها در جهان تبدیل شود. رسانه های غربی با بازنمایی و برجسته سازی اقدامات تروریستی داعش و این همان انگاری خلافت خود خوانده ابوبکر البغدادی موسوم به « دولت اسلامی» با دولت اسلامی در معنای عام آن، تبلیغات گسترده خود را برای خشن جلوه دادن اسلام رحمانی شدت بخشیدند. این در حالی است که عربستان خود را حافظ و مدافع اسلام معرفی کرده است. سیاست های عربستان موجب شده قدرت های بزرگ بین المللی به بهانه مقابله با گروه های تروریستی، خاورمیانه را به آزمایشگاه پیشرفته ترین تسلیحات خود تبدیل کنند. بنابراین عربستان در موضوع تروریسم، نقش مؤثری داشته و هزینه های فراوانی برای کشورهای منطقه و جامعه بین المللی تحمیل کرده و امنیت بین المللی را بطور جدی مورد تهدید قرار داده است . اگر به جای عربستان هر کشور دیگری مسبب این وضعیت می بود، شورای امنیت ذیل فصل هفتم منشور و مواد ۴۱ و ۴۲ آن را در دستورکار قرار می داد و برای تغییر رفتار این کشور اقدامات تنبیهی متعددی اعمال می کرد. اما این کشور هنوز خود را به عنوان بخشی از راه حل مقابله با تروریسم معرفی می کند و قدرت های بزرگ نیز از سیاست های مخاطره آمیز و تنش آفرین آن حمایت می کنند. همانگونه که توماس فریدمن در سرمقاله خود در روزنامه نیویورک تایمز اعتراف می کند؛ دوره ای که آمریکا به عربستان و دیگر کشورهای عربی می گفت نفت ما را تامین کنید و کاری به اسرائیل نداشته باشید، هر گونه که می خواهید عمل کنید، به پایان رسیده و اقدامات جدی برای تغییر رفتار و سیاست های تهدید آمیز سعودها علیه امنیت بین المللی ضروری است .